

بررسی روند ساخت راه تهران به خوزستان و تأثیر آن بر اوضاع اجتماعی لرستان در دو دهه پس از ۱۳۰۰

سیدعلاءالدین شاهرخی^۱
محمدعلی نعمتی^۲

چکیده

راه‌ها همواره به مانند شریان‌های حیاتی تأثیرات فراوانی بر ابعاد مختلف حیات بشر از جمله اوضاع اجتماعی، سیاسی و دوام و رونق حکومت‌ها و مملکت داشته‌اند. دولت‌ها در گذشته با احداث راه، سعی در کنترل اهالی مختلف کشور و رونق اقتصادی داشته‌اند. در اواخر دوره قاجار باتوجه به کشف نفت در خوزستان و اوضاع آشفته کشور ایجاد راه اهمیت بسزائی یافت؛ در این میان لرستان به سبب قرارگرفتن در مسیر پایتخت به خوزستان و کشف نفت در جنوب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید. یکی از مهمترین اقدامات برای دسترسی به این مناطق، احداث راه از تهران به خوزستان بود. احداث این راه از همان ورود قوای نظامی به لرستان در سال ۱۳۰۲ش، تا ۱۳۰۷ش. به طول انجامید.

^۱ دانشیار، گروه تاریخ دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول)، shahrokhi41@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران،

m.a.nemati1365@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۱۰



با ایجاد این راه و امنیت نسبی ایجاد شده در لرستان و تسهیل امکان تردد بومیان و دیگران در داخل و خارج این ناحیه و بخصوص مهاجرت برخی نظامیان و کادر اداری به این منطقه اوضاع اجتماعی دچار تغییراتی گردید. شیوه گردآوری این مقاله با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و مبتنی بر تاریخ توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است و یافته‌های پژوهشی این مقاله نشانگر آثار قابل توجه پیامدهای اجتماعی ساخت جاده و واکنش اهالی به این طرح است. همچنین تأثیر این راه بر اوضاع اجتماعی لرستان با توجه به متغیرهایی چون: اوضاع امنیتی، مهاجرت افراد نظامی و اداری به لرستان، اسکان عشایر، تغییر سبک زندگی، معیشت اهالی، رواج کشاورزی، رشد شهرنشینی و ایجاد ادارات دولتی مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: راه‌سراسری، اوضاع اجتماعی، لرستان، ایلات و عشایر، قوای نظامی

۱. مقدمه

راه‌های ارتباطی همواره نقش مهمی در اوضاع سیاسی و اجتماعی مملکت داشته‌اند. در اعصار گذشته برخی حکومت‌ها اهتمام ویژه‌ای به ایجاد راه‌ها و ترمیم آنها داشته‌اند. برای نمونه می‌توان به راه‌های مهمی همچون راه شاهی در دوره هخامنشی و راه‌های مختلفی که در دوره اسلامی به بغداد ختم می‌شد اشاره کرد. معمولاً این اقدام با اهداف مختلف سیاسی و اقتصادی انجام می‌شده است؛ ایجاد راه‌ها برای دسترسی هر چه بهتر به مناطق مختلف یا بهره‌مندی از منافع اقتصادی بود. در دوران معاصر به بعد نقش راه‌ها در اوضاع مملکتی و مناطق مختلف اهمیت دو چندانی یافت.

یکی از راه‌های مهمی که در دوره معاصر از اهمیت بسیاری برخوردار گردید، راهی بود که از تهران به سمت خوزستان امتداد داشت و از لرستان می‌گذشت. این راه در ابتدا به صورت کاروان‌رو بود و از مناطق کوهستانی عبور می‌کرد و در زمان ضعف حکومت مرکزی به وسیله نیروهای گریز از مرکزی مانند ایلات و عشایر بسته می‌شد. این راه به دلیل

این که از مناطق عشایرنشین لرستان و خوزستان می‌گذشت و همچنین به خاطر منابع زیرزمینی که در خوزستان وجود داشت مورد توجه ویژه قرار گرفت.

با تأسیس حکومت پهلوی، راه‌سازی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. حکومت مرکزی به منظور سرکوب نیروهای متمرد در مناطق مختلف، مدرن‌سازی مملکت، تمرکزگرایی و تسهیل دسترسی به نقاط مختلف کشور، قصد داشت راه‌ها را گسترش دهد. ایلات و عشایر کوچ‌رو لرستان در اواخر حکومت قاجار به دلیل ضعف حکومت مرکزی و خصلت گریز از مرکزی که داشتند، این منطقه را به صورت منطقه‌ای مجزا و ملوک‌الطوایف درآورده بودند و از حکومت مرکزی تبعیت نمی‌کردند. حکومت مرکزی برای دسترسی به خوزستان و سرکوب شیخ خزعل و استفاده از منابع طبیعی این منطقه مجبور بود که این راه را از طریق لرستان ساخته و به آنجا وارد شود.

احداث راه شمال به جنوب با توجه به موقعیت راهبردی که داشت به صورت یکی از اقدامات مهم و مشروعیت بخش برای حکومت مرکزی تبدیل شده بود که به وسیله آن می‌توانست امنیت و تمرکزگرایی را در منطقه جنوب غرب کشور برقرار سازد. با ایجاد و رونق تدریجی این راه علاوه بر دستاوردهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی در حوزه اجتماعی نیز تحولات چشمگیری بوقوع پیوست که متأسفانه علیرغم اهمیت در سایه سایر موارد چندان که لازم است مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در واقع اقدامات حکومت وقت در لرستان همزمان با ساخت و سپس با استفاده از این جاده باعث تأثیرات مهمی بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی اهالی لرستان شد. این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که: ساخت راه شمال به جنوب (تهران به خوزستان) چه تأثیری بر اوضاع اجتماعی اهالی لرستان داشت؟

تأسیس راه شمال به جنوب و پیامدهای اجتماعی آن در سال‌های نخستین پس از ۱۳۰۰ش. اگر چه در پژوهش‌های مختلف تا حدودی مورد توجه قرار گرفته است اما تا کنون در قالب یک پژوهش جدی بررسی نشده است. در واقع ساخت راه شمال- جنوب با توجه به اهمیت و گستردگی آن و نقشی که در ساختار اجتماعی - سیاسی منطقه لرستان

و کشور داشته است، به اندازه کافی مورد بررسی نگرفته است. برخی از محققان و مجریانی که درگیر ساخت این راه بوده‌اند به آن اشاراتی داشته‌اند و در تحقیقات جدید نیز به صورت گذرا به آن پرداخته‌اند، کسانی چون: والیزاده معجزی در «تاریخ لرستان روزگار پهلوی» و کاوه بیات در «عملیات لرستان»، واعظ شهرستانی در «سیاست عشایری دولت پهلوی اول» اطلاعات متنوعی در مورد ساخت این راه و واکنش ایلات و عشایر و سیاست عشایری دولت ارائه کرده‌اند. این پژوهشگران از زاویه تخصص و علاقه خود به این امر نگرسته و در تحقیقات خود به بحث ساخت راه نیز پرداخته‌اند. آنها معمولاً با رویکرد بازخوانی عمومی و کلی و یا به موارد خاصی از سیاست‌های تخته قاپو و اقدامات نظامیان می‌پردازند که در جنب مطالب تاریخی دیگر (مانند اوضاع: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) بدان پرداخته شده است.

پژوهش‌های اخیر که در قالب مقالات منتشر شده علیرغم اشاره به اقدامات قوای نظامی پهلوی در طرح اسکان عشایر همچنان بیشتر به برخوردهای متقابل دو طرف و خلع سلاح عشایر پرداخته‌اند نیز دچار کاستی‌های گفته شده می‌باشند. مانند: «سیاست قومی پهلوی اول در قبال قوم لر» اثر بهرامی از صص ۸۵ تا ۱۱۹ و «پیامدهای طرح اسکان عشایر بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لرستان (۱۳۰۲ تا ۱۳۱۲ ش.)» اثر صلاح و نعمتی از صص ۱۴۵ تا ۱۷۰ به موضوع پرداخته‌اند، از این رو این مقاله با توجه به منابع موجود، سعی می‌کند با تمرکز بر بررسی ساخت راه تهران به خوزستان پرداخته و تأثیر آن بر اوضاع اجتماعی لرستان را مورد بررسی قرار دهد.

۳. راه‌های لرستان در آستانه سال ۱۳۰۰ ش.

در اوایل دوره اسلامی بسیاری از راه‌ها به بغداد که مرکز خلفای عباسی بود ختم می‌شد. در این بین جغرافیدانان گزارشات فراوانی در مورد راه‌های باستانی ایران و به خصوص منطقه لرستان و راه‌های اصلی و فرعی اشاراتی داشته‌اند. به عنوان نمونه، ابن حوقل در قرن چهارم هجری در مورد راه‌های اصلی لرستان می‌گوید که راهی از همدان به سوی خوزستان می‌رود از لرستان می‌گذرد. وی فاصله شهرهایی که بر سر این راه است را چنین

بررسی روند ساخت راه تهران به خوزستان ... ۵

برمی‌شمارد: از همدان به روداور ۷ فرسخ است، از روداور به نهاوند نیز ۷ فرسخ می‌باشد، از نهاوند تا الشتر ۱۰ فرسخ و از آنجا تا شاپورخواست (خرم‌آباد) ۱۲ فرسخ می‌باشد. سپس توضیح می‌دهد که از خرم‌آباد به طرف لور (یا لُر) که دشتی است در شمال خوزستان و جنوب لرستان، ۳۰ فرسخ می‌باشد که هیچ شهر یا قریه‌ای در این فاصله وجود ندارد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۴). در قرن چهارم نیز مقدسی به راهی که از کرج ابدی دلف به شاپورخواست و خوزستان می‌رود اشاره می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۲۵).

به طور خلاصه لرستان تا زمان مورد نظر (۱۳۰۰ش) راه‌های زیادی نداشت به جز چند راه که مهمترین آنها عبارت بودند از: ۱- بروجرد به خرم‌آباد و خوزستان ۲- راه خرم‌آباد به کرمانشاه که از الشتر می‌گذشت ۳- راه‌های ارتباطی داخل منطقه‌ای. در این میان راه بروجرد به خرم‌آباد و خوزستان به لحاظ اینکه شمال و جنوب کشور را به هم وصل می‌کرد دارای اهمیت ویژه‌ای بود، ولی این راه کوهستانی و مالرو بود که عبور و مرور از آن اغلب از طریق گردنه کیلان- میشوند و چمشک صورت می‌گرفت (رشیدیان، ۱۹۸: ۱۳۸۱-۱۹۹). از لحاظ کیفی راه‌های ارتباطی ایران تا قبل از سال ۱۳۰۰ش. و روی کار آمدن رضاخان فقط راه‌های کاروانرو بود که در امتداد دره‌ها و کنار رودخانه‌ها و حواشی کویر بود که اغلب به خاطر توجه پادشاهان ایجاد و بعد از مدتی نیز به کلی متروک می‌شد. ولی راه‌هایی نیز در گذشته بودند که در زمان‌های خود شاه کارهای بزرگی به حساب می‌آمدند، مانند: راه ابریشم و راه شاهی (نیساری، ۱۳۵۰: ۵۰۱).

در اواخر حکومت قاجاریه به علت ضعف حکومت مرکزی ایلات و طوایف در حال جنگیدن با هم بودند و دولت‌های خارجی با دامن زدن به این بحران، ایلات طرفدار خود را مسلح می‌کردند که در نتیجه «دولت مرکزی» در بیرون از پایتخت وجود خارجی نداشت (نفیسی، ۱۳۴۵: ۲۷). هرج و مرج‌های موجود در کشور محور نگرانی اغلب روشنفکران و مردم آگاه این سرزمین در سال‌های پایانی حکومت قاجار بود که خطر تجزیه کشور را تهدید می‌کرد و راه درمان آن فقط ایجاد حکومت متمرکزی بود که بر دیگر منابع قدرت (ایلات و عشایر) تسلط یابد. در این زمان تفرقه در کشور چنان گسترده بود که حتی

نمایندگان کشورهای خارجی مانند انگلیس گزارش می‌دهند که اقتدار حکومت مرکزی در ایران در حد صفر می‌باشد (واعظ شهرستانی، ۱۳۸۸: ۱۹۸). ناتوانی شاه، ضعف مجلس و دخالت‌های بیگانگان باعث هرج و مرج روز افزون در کشور شده بود، مردم منتظر دولتی قوی بودند تا امنیت کشور را به کشور بازگردانند. در این شرایط با توجه به وقایع کشور شمالی ایران، انگلیس وجود حکومت مرکزی توانمند در ایران را لازم دانست؛ در نتیجه با دخالت انگلیس، رضاخان با استفاده از ضعف سیاسی حاکمیت موجود در ایران و حمایت خارجی به قدرت رسید (جهانگلو، ۱۳۷۹: ۲۱).

هنگام کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، ایران به نحو خطرناکی دچار تجزیه و تفرقه بود و اکثر ایلات در مناطق مختلف کشور دست به اغتشاش زده و کشور را به سوی ملوک الطوایفی و خودمختاری سوق داده بودند. از اهم این ایلات می‌توان به شورش سیمیتقو در آذربایجان غربی و کردستان، ایلات شاهسون و ترکمن در شمال و شمال غربی، و در مناطق جنوبی و جنوب غربی به ایلات لر و بختیاری، خمسه، قشقایی و طوایف عرب خوزستان (به خصوص شیخ خزعل) اشاره کرد (زرگر، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۴).

اولین کار رضاخان برای توسعه نفوذ خود، مسئله از بین بردن قدرت ایلات و عشایر بود که باید به مرور زمان انجام بگیرد و کلیه آنها را خلع سلاح کند تا خطر آنها را برای همیشه از بین ببرد (مکی، ۱۳۲۴: ۳۸). اقتضای حکومت متمرکز این بود که تمام نیروهای مرکز گریز با هر شرایطی تابع حکومت مرکزی باشند، زیرا این نیروها مسلح بوده و همواره خطر شورش آنها وجود دارد (جعفری، ۱۳۸۷: ۸). یا ممکن است این نیروها تحت تاثیر قدرت‌های خارجی قرار گرفته و بر خلاف منافع ملی عمل کنند. اولین اقدام عملی رضاخان ایجاد ارتشی بود که متکی به نیروی ایلات نباشد (قراگوزلو، ۱۳۸۳: ۳۸). این ارتش یکی از بنیادهای حکومت او بود که در طول پادشاهی وی، اوامرش را در همه جا به اجرا در می‌آورد کارایی و نفوذ ارتش تا حدی بود که جان فوران در اثر خود از آن به نام «استبداد نظامی» یاد می‌کند (فوران، ۱۳۸۶: ۳۳۰).

از جمله مشکلاتی که قوای نظامی جدید با آن مواجه بود، نبود راه‌های مناسب برای عبور نظامیان و دست یابی آنان به مناطق کوهستانی و صعب‌العبور بود. راه‌های کاروان‌رو قدیمی دیگر برای عبور ادوات و ماشین‌های جدید مناسب نبود و ایلات معارض بر این راه‌ها مسلط بودند و اجازه عبور و مرور را از منطقه سکونت خود نمی‌دادند. این موضوع غیر از توجه مجریان و نشریات داخلی حتی توجه نشریات خارجی را نیز به خود جلب می‌نماید به طوری که این موضوع را اینگونه تحلیل می‌نمایند: «...به عقیده ناظرین و کارشناسان عشایر مهم ایران از لحاظ صفات جنگی و زورآزمایی از قبایل سلحشور شمال غربی هند دست کمی ندارند. نفرات کوهستانی و سربازان فنی و ارابه‌های جنگی همچنین هواپیما در ارتش ایران وجود ندارد ... خطوط اصلی ارتباطی در جاده‌های موتورسیکلت بسیار زیاد و بیشتر از نقاط دشوار می‌گذرد. در منطقه عشایری جاده‌های ارابه رو موجود نیست و چون پادگان‌های مهم نظامی در آن حدود نمی‌باشد از این جهت باید سربازان را از پادگان‌های دوردست به وسیله کامیون به آن نقاط حمل و نقل نمود» (نوری اسفندیاری، ۱۳۳۵: ۳۶۸-۳۶۹).

۴. لرستان محور راه پایتخت به جنوب

ایجاد یک راه ارتباطی از زمان حکام و پادشاهان گذشته همواره در نظر بوده و همچنین به خاطر مزیت‌های اقتصادی این راه کشورهای استعماری مانند انگلیس نیز به ساخت چنین راهی نظر داشته‌اند. انگلیس در راستای اهداف استعماری خود در گذشته برای ایجاد جاده و راه‌آهن در تلاش بوده است. حتی در سال ۱۸۹۰م قراردادهایی بین انگلستان و دولت ایران منعقد شد و نقشه‌هایی در مورد بررسی چگونگی اجرای این کار توسط ویلسن در سال ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳م. در منطقه لرستان انجام گرفت (ویلسن، ۱۳۶۳: صص ۱۶۶-۲۹۳). این تلاش‌ها به دلیل عدم عزم جدی حاکمان و همچنین ناامنی و خودمختاری که طوایف لرستان در منطقه ایجاد کرده بودند تا زمان به قدرت رسیدن رضاخان، که اهمیت این طرح دو چندان شده بود، به تعویق افتاد.

با وجود ناامنی و دشواری های موجود، لرستان در منطقه ای راهبردی قرار داشت و از اهمیت ویژه ای برخوردار بود بخصوص از این جهت که راه سراسری شمال ناگزیر از لرستان می گذشت و از جهات زیر اهمیت داشت: نخست، از لحاظ امنیتی؛ زیرا لرستان به علت کوهستانی بودن و دوری از مرکز حکومت با توجه به خصلت جنگجویی و سرکشی اهالی آن، یکی از متمدن ترین ولایات ایران بود. در واقع بعد از مرگ کریم خان زند و ضعف حکومت قاجار در تأمین امنیت، اوضاع منطقه بسیار گسسته بود و ایلات متعدّد منطقه لرستان، مناطق مختلف همجوار را از خوزستان تا اراک درحوزه نفوذ خود قرار داده بودند (دوبد، ۱۳۸۸: ۴۲۲ و نفیسی، ۱۳۴۵: ۲۷).

دوم، لرستان از نظر راه ارتباطی دارای اهمیت بسزایی بوده؛ به طوری که دو شاهراه شمال - جنوب و شرق به غرب از این منطقه عبور می کرده است (ایزد پناه، ۱۳۸۴: ۷). در این زمان که سردار سپه به قدرت رسیده بود اهمیت لرستان و راه های آن بیشتر شده بود؛ زیرا خوزستان در این زمان تحت تسلط شیخ خزعل بود و سرکوب وی بدون عبور از لرستان غیر ممکن بود. حکومت مرکزی خوب می دانست که خود مختاری شیخ خزعل مهمترین مانع در راه تمرکزگرایی کشور می باشد و تا زمانی که خزعل تسلیم نمی شد، تمرکزگرایی در کشور معنایی نداشت. بنابراین نخستین اقدام او برای این کار تصرف لرستان بود زیرا لرستان راه عبور به خوزستان بود. (غنی، ۱۳۷۸: ۳۷۵) عبور از لرستان آنچنان اهمیتی برای رضاخان داشته که در یادداشت هایش، عبور از این منطقه را به هفت خان رستم تشبیه کرده و می گوید که ستون های لشکرش باید از میان مشکل ترین راه ها و شجاع ترین مردم عبور کنند تا بتواند ملوک الطوایفی را از بین برده و کشور متمرکزی را به وجود آورد (بصری، ۱۳۳۵: ۵۴-۵۵). او مجبور بود که برای خاتمه دادن به ملوک الطوایفی با دادن تلفات و قربانی بسیار این خطه را در جهت تمرکزگرایی فتح نماید.

سوم، اهمیت این منطقه از لحاظ اقتصادی بود؛ رضاشاه در نظر داشت لرستان و خوزستان دو ایالت مهم کشور را با توجه به داشتن معادن فراوان و موقعیت استراتژیک و قرار داشتن در حوزه نفوذ قرارداد داری، از دست خوانین متعدّد آن خارج کرده و بعد از

این سنگر (لرستان)، به خوزستان حمله برده و آن را تصرف نماید (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۴). به طور کلی میتوان گفت اهمیت این سرزمین نه تنها ایجاد تمرکز در کشور، بلکه می توان گفت که موقعیت این منطقه در اقتصاد کلان مملکت، نقش راهبردی داشت (صلاح و نعمتی، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

۵. موانع و مشکلات راه سازی در لرستان

۱،۵ اقدامات شیخ خزعل در خوزستان

در سال ۱۳۰۳ همزمان با شورش شیخ خزعل ضرورت احداث جاده احساس می گردید، در این زمان ساخت جاده به طرف خوزستان عملیاتی گردید. از جمله مشکلات بزرگ رضاخان برای ایجاد تمرکز، تمرکز شیخ خزعل در منطقه زرخیز خوزستان بود، که باید سرکوب می شد اما مهمترین مانع این کار ایلات و عشایر لرستان بودند که سالها با توجه به کوهستانی بودن منطقه لرستان و نبود راههای ارتباطی مناسب اجازه عبور هیچ نیرو و یا کاروانی به طرف خوزستان نمی دادند. شیخ خزعل که از عزم راسخ رضاخان برای تمرکز قدرت و به زیر کشیدن وی آگاه بود. وی عزم راسخ خود را به پایداری اعلام و تأکید کرد در این مورد ابتکار عمل را به دست نمی گیرد، بلکه «صرفاً از حقوق خود در برابر خودکامگی دفاع می کند.» در راستای این سیاست بود که وی با ارسال تلگرافی به شاه از وی برای بازگشت به کشور دعوت به عمل آورد و از مجلس برای مقاومت در برابر خودکامگی رضاخان تقاضای کمک نمود. خزعل حزب لیبرال جدیدی به نام «حزب سعادت» (کمیته قیام سعادت) برای احیای آزادی سیاسی در ایران تشکیل داد. شیخ با سازمان دادن شاه، لرها، بختیاریها و جناح مخالف مجلس در یک جناح امیدوار بودند رضاشاه را از اریکه قدرت به زیر آورند (ستراک، ۱۳۸۷: ۳۴۰). شیخ خزعل نیز به کمک ایلات و عشایر لرستان نیاز داشت که خوزستان را حفظ نماید. از سوی دیگر انگلیسیها به دیگر گروههای ایلاتی جنوب؛ از جمله عربها به سرکردگی شیخ خزعل، بختیاریها و اتحادیه خمسه اسلحه می رساندند و می کوشیدند این اقدامات را با عملیات پلیس جنوب که در سال ۱۲۹۵.ش به وجود آورده بودند هماهنگ سازند (کدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴-۱۱۵).

شیخ خزعل خوزستان را مانند یک شیخ‌نشین مستقل اداره می‌کرد و با خوانین محلی پیمان دوستی و اتحاد می‌بست (کجباف، ۱۳۸۴: ۳۰۱). از اقدامات وی در این راستا این بود که برای لرها اسلحه می‌فرستاد و آنها را تحریک به اغتشاش می‌کرد. طبق روایات، شیخ خزعل یک نفر را فرستاده بود به لرستان که با حدود ۳۰۰ نفر از کدخدایان و تفنگچی‌های خرم-آباد گفت‌وگو نماید که به خوزستان بروند بعضی کدخدایان نیز رفته بودند. در آنجا از کدخدایان بسیار پذیرایی کرده و به آنان گفته بود که قصد دارد که جلوی رضاخان را گرفته و او را از میان بردارد و این کدخدایان و تفنگچی‌ها باید به او کمک نمایند و یک نوع تفنگ که در لرستان به «خزعلی» معروف بوده نیز در اختیار آنها گذاشته بود (مصاحبه با اکبر محمدنیایی، مصاحبه کننده: کرم الله دریکوند: ۱۳۹۴).

شیخ خزعل در لرستان مورد احترام خوانین قرار داشته و در بسیاری از موارد سرمشق آنان بود به طوری که در هنگام مسافرت ویلسون در سال ۱۹۱۳م، برای نقشه براداری از مسیر خط آهن، خوانین منطقه نیز به مانند شیخ خزعل از ایجاد این راه و تأثیر آن بر موقعیت خودشان و قبیله‌هایشان می‌ترسیدند. سردار اکرم به عنوان یکی از خوانین با نفوذ لر با توجه به موافقت شیخ خزعل، او نیز موافقت خود را اعلام نمود. روسای بالاگریوه نیز اعلام نمودند: اگر شیخ خزعل از ساختمان سازی راه‌آهن حمایت کند، آنها نیز همان گونه عمل کنند و اگر خیر، آنها نیز مخالفت کنند (ستراک، ۱۳۷۸: ۱۸۶).

۲,۵ ترمرد و درگیری برخی عشایر لرستان با نیروهای نظامی

رضاخان با فرستادن نیروی نظامی به سمت لرستان در سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ ش. و استقرار آنها در بروجرد عملاً سعی در تسخیر لرستان و سرکوب کردن ایلات و عشایر داشت. قوای نظامی به لطف داشتن وسایل جنگی بهتر مانند توپ و مسلسل پس از کشته شدن افراد بسیاری از دو طرف درگیر توانستند پیروز شوند. حکومت مرکزی بعد از حدود ۲۵ سال توانست به شهر خرم‌آباد راه پیدا کند. سرانجام پس از ورود قوای نظامی به خرم‌آباد چندتن از سران عشایر را دستگیر کرده و با برپا نمودن دادگاه نظامی دستگیرشدگان را محاکمه و اعدام کردند (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: صص ۵۴-۶۱ و ۱۰۰).

اعدام‌های سال ۱۳۰۲ش. و اجحافات‌ی که نیروهای دولتی در حق اهالی مرتکب می‌شدند باعث شکل‌گیری قیام سال ۱۳۰۳ش. در لرستان شد. این قیام آخرین تلاش هماهنگ ایلات و طوایف برای برچیدن قوای نظامی در این منطقه بود. این قیام علل مختلفی داشت روزنامه تایمز لندن در گزارشی علت این قیام را اعدام برخی از سران لر دانست که علیرغم تأمین و قسم‌نامه‌ای که برای آنها امضاء کرده بود اعدامشان نمود، دیگران نیز با مشاهده این اقدام از سران لشکر غرب در صدد مقابله برآمدند (نوری اسفندیاری، ۱۳۳۵: ۸۱).

قوای عشایر لر در سال ۱۳۰۳ش. نظامیان را در شهر خرم‌آباد به مدت ۳۸ روز در محاصره قرار دادند. در ادامه لرها که تاب مقاومت در برابر سلاح‌های برتر نظامیان نداشته و عقب نشینی کردند و پس از وارد شدن تلفات سنگینی به دو طرف درگیر در ۱۸ خرداد محاصره شکسته شد و نظامیان دیگری نیز وارد خرم‌آباد شدند (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

با ورود نظامیان و شکستن حصر خرم‌آباد انتظار می‌رفت که سران و روسای طوایفی که در محاصره مشارکت داشته‌اند تنبیه شوند ولی رضاخان طی تلگرافی غیر منتظره با گفتن این که: «... کلیه طوایف و ایلات لرستان جزء سکنه مملکت و از فرزندان غیور و رشید ایران محسوب...» داشته، از خطاهای آنان چشم‌پوشی و اعلام عفو عمومی نمود (بیات، ۱۳۷۳: ۱۸). عفو عمومی سردار سپه و مماشات با عشایر بعد از قیام ۱۳۰۳ش. نمی‌تواند بدون دلیل باشد زیرا در این مقطع زمانی رضاخان برای تصرف خوزستان و پایان دادن به کار شیخ خزعل احتیاج به آرام نگه داشتن منطقه لرستان که منطقه‌ای حیاتی برای اعزام نیروها بود داشت. شیخ خزعل با ارتشی که از قبایل عرب درست کرده بود سال‌ها بود که با حکومت مرکزی رابطه نداشت و با توجه به اهمیت خوزستان به لحاظ اقتصادی و جایگاه مهمی که در جغرافیای سیاسی اقتصادی ایران و ملاحظات بریتانیا داشت، با روی کار آمدن حکومت تمرکزگرا و لزوم تحکیم پایه‌های این حکومت تصرف این منطقه را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت.

با در نظر گرفتن این دلایل و موقعیت استراتژیک لرستان به خوبی می‌توان به تسامح و تساهل قوای نظامی در این زمان پی برد. از اقداماتی که با توجه به شرایط موجود صورت می‌گرفت می‌توان به نوشتن نامه‌هایی از طرف نظامیان از جمله شاه بختی و امیراحمدی و حتی شخص رضاخان اشاره کرد که برای سران طوایف و تأمین دادن به آنها و تشویق و قدردانی از آنان برای آرامش بخشیدن به منطقه به منظور فراهم شدن مقدمات حمله به خوزستان و ایجاد راه اشاره کرد. به عنوان مثال می‌توان به تأمین دادن برخی از سران طوایف اشاره کرد. «... در اثر اوامر و دستورات بندگان حضرت اشرف اعظم رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا ... از سرکوبی آنها صرف نظر نموده به طوری که میل مبارک حضرت معظم‌له بود، به طوری که ملاحظه می‌شود، دستجات مختلف از سرکردگان و کدخدایان متنفذ طوایف دیرکوند، چگنی، میر، قلاوند، پاپی و غیره در شهر حاضر[و] با گرفتن تأمین ... بدون هیچ گونه مصادمه موفق گردیده سرتاسر لرستان و خوزستان را در ذیل لوای قدرت و نفوذ قشون نیرومند در آورده ...» (امیراحمدی، اسناد، ۱۳۷۳: ۱۱۷-۱۱۸) لازم به ذکر است که در بدو ورود قوای نظامی به لرستان برخی طوایف برای شکست دیگر طوایف رقیب با نظامیان همکاری کرده و در پی منافع خود بودند.

همچنین طبق سندی به تاریخ «۲۷ برج عقرب ۱۳۰۳» شمسی که از طرف فرمانده تیپ یکم لشکرغرب خطاب به عموم کدخدایان طوایف عشایر لرستان صادر گردیده، جهت اینکه تقی‌خان بیرانوند نماینده رییس تیپ یکم می‌باشد و فرستادن او و تأمینی که می‌دهد از طرف رییس تیپ می‌باشد همکاری و همراهی کدخدایان با او که نماینده مخصوص دولت است، باعث می‌شود که این کدخدایان مورد محبت دولت قرار گیرند. مضمون این نامه بدین شرح می‌باشد: «عموم کدخدایان طوایف عشایر لرستان، در این موقع که اردوهای بنیان کن شهر آتش سوزان جهت محو و نابود نمودن ریشه فساد متمردين خوزستان به امر مبارک بندگان حضرت اشرف اعظم رییس الوزرا و فرمانده کل قوا دامت عظمه به طرف خوزستان حرکت می‌نمایند لهذا از نقطه نظر مهري که نسبت به شما داشته و قطعاً می‌دانم که شماها را قبلاً مایل به خدمت گذاری بوده اید، اینک تقی‌خان بیرانوند را قبلاً نزد شما

اعزام داشتم که کلیه شماها را تصمیم درست مسبوق داشته و از ترس و واهمه که دارید بیرون آورده از طرف من به همه تأمین داده و مطمئن نماید که ابداً قوای دولتی نسبت به شماها به هیچ وجه نظر به بدی نداشته، بلکه نتیجه خدمت‌گذاری که از طرف فردافرد طوایف دیده شود همه گونه مورد مهر و محبت قرار خواهد داد و نیز گوشزد می‌نمایم که قول و تأمینی که تقی‌خان به شما می‌دهد، قول مشارالیه متین و تأمینی که می‌دهد از طرف دولت می‌باشد لازم است برای همه نوع خدمت‌گذاری و جان فشانی حاضر شده و از این در سعادت که به روی شماها باز شده است شکر خدا را گفته و خوشبختی را استقبال و اوامر دولت قوی شوکت را مطیع و منقاد باشید، البته همه گونه مورد مهر و محبت واقع خواهید گردید» (اسناد پیوست مقاله). با این ترندها، دولت تنبیه ایلات را به آینده موکول کرد.

هدف نخست حکومت مرکزی در تهاجم به لرستان آن بود که پس از سرکوبی و پاک سازی طوایف از طریق احداث جاده و استفاده از راه‌های لرستان به جهت پشتیبانی از قوای نظامی به طرف خوزستان حرکت نماید، در راستای این هدف عملیات ساخت جاده به طرف خوزستان در این زمان شروع شد (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). می‌توان دلیل استفاده از این مسیر را، کوتاهی این راه به مرکز کشور و آرامش بخشیدن به منطقه دانست زیرا قبلاً افرادی چون شیخ خزعل، لرستان نا امن را حذف‌فصلی برای خود و حکومت مرکزی می‌دانست و از هرج و مرج در منطقه حمایت می‌کرد.

در ابتدای عملیات احداث این جاده، به علت مقاومت اهالی به کندی پیش می‌رفت. در راستای این امر رضاخان خود را به سرعت به لرستان رساند و در منطقه سگوند توقف کرد و تعلیمات لازمه برای تجهیز قوا و اعزام و تمرکز آنها در خوزستان از طریق راه کوهستانی پیاده‌رو و مالرو را به منظور سرکوب شیخ خزعل صادر و سریعاً به تهران مراجعت کرد (همان، ۱۲۸).

۳,۵ موانع طبیعی و امنیتی

در مورد کندی پیشرفت شمال جنوب که از لرستان می‌گذشت امیراحمدی می‌نویسد: «سردار سپه تلگرافی به من اطلاع داد که برای بازدید محل‌هایی که فتح شده است به لرستان خواهد آمد... تا رازان با اتومبیل آمدند و از رازان به بعد چون راه قابل عبور و مرور نبود، یعنی جاده وجود نداشت سوار بر اسب به خرم‌آباد آمدند» (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۲۴۳). نظر به اهمیت ویژه این راه، رزم‌آرا می‌گوید: «یکی از محورهای نفوذی فلات ایران در جنوب که از همه نزدیکتر به پایتخت کشور می‌باشد محور خرم‌شهر، اهواز، اندیمشک، تهران است. قسمت اندیمشک به بروجرد حساسترین قسمت این محور محسوب می‌شود» (رزم‌آرا، ۱۳۲۲: ۲۶۴).

به دلیل اهمیت این جاده بعد از بازدید رضاخان به زودی «بسیاری از بزرگان، امراء نظامی و مهندسين فنی خارجی برای اجرای این پروژه به لرستان اعزام شدند و مهندسين و متخصصين فنی راه‌سازی روسی و ارمنی و قفقازی با حقوق و مزایای کافی استخدام شدند. بودجه‌هایی از طرف هیات دولت به راه‌سازی در لرستان اختصاص داده شد و تصمیماتی برای تهیه مخارج و ابزار مورد نیاز اتخاذ شد. کار راه‌سازی در سایه حکومت نظامی صورت گرفت» (بهرامی، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۱۶). در مورد زیر سایه قرار گرفتن اجرای این طرح از طرف نظامیان باید گفت در آن زمان هیچ ارگان و سازمانی توانایی اجرای این کار و تامین امنیت کارکنان آن را نداشت. احداث این جاده در منطقه به خاطر ماهیت نظامی اولیه و همزمان با جنگ‌های خونینی که بین قوای نظامی و عشایر در جریان بود خالی از خطر نبود، که نمونه آن را می‌توان در تخریب برج‌ها و پست‌های نظامی بین خرم‌آباد و بروجرد در زمان قیام ۱۳۰۳ مشاهده کرد. احداث این راه به خاطر به خطر انداختن قدرت ایلات باعث شده بود که اهالی از ساخت این جاده دچار وحشت شوند. زیرا این راه باعث می‌شد دسترسی نظامیان به مناطق مختلف آسانتر و در نتیجه بتوانند ایلات را کنترل کنند. حمله به کارکنان و کارگران و نظامیان این طرح می‌توانست واکنشی به این عمل باشد. «تلاش مقامات دولتی برای احداث و تسطیح جاده خرم‌آباد به دزفول نیز با پاره‌ای مقاومت‌های

بررسی روند ساخت راه تهران به خوزستان ... ۱۵

محلی روبرو گردید. از این رو وزارت فوائد عامه از وزارت جنگ خواست که برای حفاظت از عملیات راه سازی، قوای نظامی مستقر در خرم آباد را افزایش دهد» (بیات، ۱۳۷۳: ۲۰۲). مقاومت‌های محلی در برابر احداث راه باعث شده بود که دولت نظامیان را در مسیر راه و منطقه افزایش دهد.

در بعضی از مواقع نیز به علت کوچ عشایر و مستقر شدن آنها بر مسیرهای ساخت راه باعث می‌شد که برای مدتی عملیات راه‌سازی متوقف شود زیرا در مواردی کارکنان راه‌سازی را مورد حمله قرار می‌دادند. در گزارشی حکومت خرم‌آباد در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۰۶ ش. به وزارت داخله اطلاع می‌دهد که: «به واسطه آمدن جمعیت بیرانوند در اطراف دره درود، رازان و تنگ زاهد راه ناامن است... راه‌سازها تعطیل کرده‌اند و آلات و ادوات مهندسی را به شهر آورده‌اند» (همان، ۲۸۶-۲۸۹).

خشونت‌آمیزترین مخالفت جدی عشایر با طرح احداث جاده را می‌توان در عملیات کشتن امیر عبدالله طهماسبی وزیر فوائد عامه و طرق و شوارع در گردنه رازان اشاره کرد که برای سرکشی به عملیات احداث راه و فراهم نمودن زمینه سفر شاه به لرستان برای افتتاح راه مزبور به لرستان آمده بود و این اتفاق در روز ۱۳ فروردین ۱۳۰۷ ش. که امیر عبدالله در تعقیب یک دسته از افراد مسلح بیرانوند در گردنه رازان اتفاق افتاد. وی در اثر جراحت که به خاطر تیر خوردن بوجود آمده بود پس از یک روز فوت کرد و در بروجرد به خاک سپرده شد (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۲۲۲-۲۲۴).

با وجود خطراتی که نظامیان و کارکنان این طرح را تهدید می‌کرد. مسئولان دولتی به منظور احداث هر چه سریعتر این طرح مدام بر تعداد عملیات و کوه برها اضافه می‌کردند (اطلاعات، پنجشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۰۶، سال دوم، شماره ۴۲۱، ص ۲ و ۱۲ دی ۱۳۰۶، سال دوم، شماره ۳۹۷، ص ۲ و ۲۰ فروردین ۱۳۰۷، سال دوم، شماره ۴۶۱، ص ۱). در بعضی از نقاط راه‌سازی صدها و حتی هزاران کارگر مشغول کار بودند. (روزنامه اطلاعات، ۲۴ مرداد ۱۳۰۶، ص ۲ و ۲۰ فروردین ۱۳۰۷، ص ۱ و ۱۸ تیر ۱۳۰۷، ص ۲). نظر به اهمیت این طرح عظیم مراحل مختلف ساخت، استخدام عملیات، اتمام قطعات مختلف راه و... به طور

مرتب و سریع به مرکز گزارش شده و برای اطلاع مردم و تبلیغ اقدامات انجام شده در نشریات چاپ می‌شد و تمامی مراحل ساخت و مشکلاتی همچون واکنش منفی اهالی به ساخت راه و وضعیت طبیعی (مانند بارش برف و باران) که باعث کندی احداث راه بود، انتشار می‌دادند. (روزنامه اطلاعات، ۲۵ فروردین ۱۳۰۷، سال دوم، شماره ۴۶۵، ص ۲ و ۲۷ خرداد ۱۳۰۷، سال دوم، شماره ۵۱۵، ص ۲ و ۷ خرداد ۱۳۰۷، سال دوم، شماره ۵۰۰، ص ۲ و ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۷، سال دوم، شماره ۴۹۳، ص ۲ و ۲۰ فروردین ۱۳۰۷، سال دوم، شماره ۴۶۱، ص ۱ و ۵ خرداد ۱۳۰۷، سال دوم، شماره ۴۹۸، ص ۲ و ۱۹ شهریور ۱۳۰۵، ص ۲ و ۱۷ آذر ۱۳۰۵، ص ۲ و ۳۰ بهمن ۱۳۰۵، ص ۲ و ۲۲ اسفند ۱۳۰۵، ص ۱ و ۱۸ آبان ۱۳۰۶، ص ۳).

تشکیلات راه سازی در اوایل به عنوان ناحیه ۱۲ راه سازی به مرکزیت بروجرد بود. در سال ۱۳۰۶ به عنوان ناحیه ۸ نام گذاری و سپس بعد از افتتاح و ادغام ناحیه ۸ و ۹ لرستان و خوزستان به ناحیه ۶ تغییر نام داد (روزنامه اطلاعات، ۲۳ مرداد ۱۳۰۵، ص ۱ و ۲۲ اسفند ۱۳۰۵، ص ۱ و ۱۸ آبان ۱۳۰۶، ص ۳ و ۷ آبان ۱۳۰۶، ص ۳ و ۱۸ آبان ۱۳۰۶، ص ۳ و ۱۴ آذر ۱۳۰۶، ص ۲ و ۱۴ شهریور ۱۳۰۷ و دالوند، انقلاب اسلامی در لرستان، ج ۱، ص ۱۵۰) در سال‌های پایانی و نظر به اهمیت این طرح برای دولت پهلوی در سال ۱۳۰۷ طی فرمانی از رضاشاه و ابلاغیه نخست وزیری مسئولیت ادامه این طرح به سپهد امیراحمدی واگذار شد (اطلاعات، ۲۵ فروردین ۱۳۰۷: ۲). این در حالی بود که ریاست تأسیس این راه از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۶ بر عهده مهندسین (کاساکوسکی و طرسکینسکی) روسی بود و سپس بر عهده میرزا مهدی خان انصاری بود. (روزنامه اطلاعات، ۲۲ اسفند ۱۳۰۵، ص ۱. و اسناد ضمیمه مقاله و دالوند، ۱۳۸۵: ۱۵۰) ولی به دلیل موقعیت لرستان و مخالفت عشایر با این کار و عجله حکومت مرکزی برای افتتاح این راه امیراحمدی را به ریاست این طرح برگزیدند.

اولین اقدام امیراحمدی بعد از اینکه مسئول راه سازی در لرستان شد، افزایش ضریب ایمنی دست اندرکاران راه سازی بود. لذا دستور داد: «حفاظت عملجات و مهندسین را بر

عده گرفته اقدامات لازمه جهت تسریع کار مهندسین در پیشرفت امور راه سازی به عمل آورد... اجرت عمله و بناها ساختمان بروج نظامی کنار جاده بوسیله فرمانده ستون ۲ تادیه خواهد شد... در تعقیب ماده ۲ این حکم، فرمانده ستون رسته بمب انداز فوج گارد پیاده پهلوی را تحت اختیار مهندس باکاتوری جهت حفاظت مهندسین و عملجات و اسکورت نمودن آذوقه که از شهر دزفول حمل می شود خواهند داشت» (امیراحمدی، اسناد، ۱۳۷۳:۲۰۲). امیراحمدی بعد از ایجاد امنیت نسبی کارکنان راه سازی، ساخت جاده را با سرعت بیشتری ادامه داد و تعداد زیادی نظامی، کارگر و مهندس راه سازی استخدام کرد که جمعیت آنها در این زمان به حدود ۱۲ هزار نفر می رسید. او به این کار راضی نشد و در سه شیف کاری، کار جاده سازی را پی گرفت: «من [امیراحمدی] سه دسته کارگر تهیه کرده بودم که یک دسته شبها کار می کردند و دو دسته هم روز، و شبانه روز این جاده سازی ادامه داشت و به مدت یازده ماه شصت فرسخ راه کوهستانی بین خرم آباد و اهواز ساخته شد» (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۳۰-۳۳۱). همچنین با استخدام کارگران ماهر غیر بومی، سعی در تسریع جاده سازی داشتند به عنوان مثال حدود ۶۰ نفر سنگبر آذربایجانی که در شکست کوه و سنگ در راه سازی های آن صفحات تعلیماتی گرفته اند به خرم آباد آمده و به کشکان رفتند و با دستمزدی از روزی ۸ تا ۱۲ قران مشغول کار شدند (بیات، ۱۳۸۵: ۲۲۸).

از جمله کارهای انجام شده توسط امیراحمدی در راستای جاده سازی آن بود که تعداد زیادی از کدخداهای مستقر در اطراف جاده را مجبور کرد که عملجات مورد نیاز را از طوایف مختلف جمع آوری کنند. «در جمع آوری عمله جهت ساختمان راه جدید کامل به عمل آورده که بوسیله میرعباس خان و سایر خوانین جمع آوری و تحویل مهندسین نمایند» (امیراحمدی، اسناد، ۱۳۷۳: ۲۱۶). همچنین از طرف حکومت نظامی نامه ای به تقی خان سپهوند از خوانین دولتخواه بیرانوند ابلاغ می شود به این مضمون: «تقی خان بیرانوند، حسب الامر مبارک برای ساختن و اتمام راه بروجرد شما و ولی الله خان می بایست فوراً

یکصد نفر عمله تهیه و به مهندسین آقای ساکوفسکی تحویل نمائید که امر به سر سپردگان خطیر راضی دامت شوکته به موقع اجرا گذارده شود» (اسناد پیوست مقاله).

سرانجام با اتمام ساخت جاده رضاشاه، با جمع کثیری از وزراء و نمایندگان مجلس و رجال مهم کشور برای افتتاح راه و دیدار با سران عشایر وارد لرستان شد و این راه را افتتاح نمود (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۲۲۳). مراسم افتتاح راه هم در دو نقطه ناحیه ۷ و ناحیه ۹ راه سازی به عمل آمد یکی در خرم آباد که به طور باشکوهی معمول گردید و مربوط به ناحیه ۷ راه سازی بود و دیگری در ابتدای ناحیه ۹ که تقریباً در نیمه راه واقع است. وی خطاب به مهندسین و دست اندرکاران ساختمان راه اظهار داشت که: «من از زحمات و خدمات شما راضی هستم از راپورت‌هایی که راجع به عملیات شما به من می‌رسید اطلاع دارم که لازمه دقت را داشته اید به وزارت‌خانه متبوعه دستور داده‌ام وسایل تشویق شما را فراهم نماید» (اطلاعات، ۱۴ آذر ۱۳۰۷: ۱). این راه از طریق دشت جایدرد (پلدختر) که حالتی دره‌ای داشت عبور می‌کرد این در حالی بود که راه باستانی که از خرم‌آباد به خوزستان که از جنوب خرم‌آباد و شرق پلدختر می‌گذشت به علت کوهستانی بودن کنار گذاشته شد و فقط عشایر کوچرو از آن می‌گذشتند. زیرا با وجود جاده شوسه، با خودرو می‌توانستند در حدود چند ساعت از خرم‌آباد به خوزستان وارد شوند اما راه قدیمی مالرو بود و با استفاده از چهارپایان چند روز زمان می‌برد.

رضاشاه در روز ۵ آبان ۱۳۰۷ ش. برای افتتاح تونل‌های معمولان به آنجا رفت و ملک الشعرا بهار به دستور تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه شعری را بدین مناسبت سرود و در بالای دهانه تونل نقش زدند (ستوده، ۱۳۸۸: ۳۹۱). راه سراسری طبق گزارشات آن دوره از بروجرد تا ملایر ۵۷ کیلومتر، از بروجرد تا خرم‌آباد ۱۱۱ کیلومتر و از خرم‌آباد تا دزفول ۲۵۷ کیلومتر طول داشته است. (سالنامه پارس، ۱۳۱۵: ۲۳۶) بعد از افتتاح راه سراسری طبق گزارشی که در سالنامه پارس مربوط به وضعیت راه‌های شوسه در دی ۱۳۱۱ ش. چاپ شده، راه‌های درون منطقه‌ای دیگری نیز ساخته می‌شود مانند: راه معمولان به طرهان و یا پل‌هایی در مسیر راه‌ها ساخته می‌شود مانند: گدوک شیخ و پل سنگی خرم‌آباد که به طرف

بررسی روند ساخت راه تهران به خوزستان ... ۱۹

الشتر و نورآباد می‌رود (سالنامه پارس، ۱۳۱۲: ۱۱۴-۱۱۵). راه خرم‌آباد به کرمانشاه از طریق الشتر نیز پس از افتتاح راه سراسری پیگیری شده و به انجام رسید (روزنامه اطلاعات، ۲۲ بهمن ۱۳۰۷، ص ۲ و ۲۸ مرداد ۱۳۰۸، ص ۲).

۶. پیامدهای اجتماعی احداث راه سراسری در لرستان

احداث راه سراسری در لرستان تأثیرات بسیاری بر زندگی اهالی لرستان داشت. به طوری که بعد از احداث این راه و اقدامات دیگر دولت، شکل زندگی مردم لرستان تغییر یافت و از شکل آشفته اواخر قاجار خارج شد. در ادامه پیامدهای ایجاد راه به چهار دسته تقسیم و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۶ اسکان عشایر

اسکان عشایر لرستان باعث می‌شد که عشایر از بافت جغرافیایی و فرهنگی خود دور شده و دولت بر آنها کنترل داشته باشد. یکی از مهمترین تأثیراتی که احداث این راه بر زندگی اجتماعی اهالی لرستان داشت، اجرای سیاست تخته‌قاپوی ایلات و عشایر بود. ساخت این جاده در لرستان را می‌توان پیش زمینه تخته‌قاپو کردن عشایر لرستان دانست که حکومت مرکزی با استفاده از این مزیت می‌تواند طرح‌های مختلف خویش را در این منطقه به اجرا بگذارد. اقدامات دولت تا این زمان بیشتر بر سرکوب قدرت نظامی ایلات و عشایر متمرکز بود. اهمیت این راه در تخته‌قاپو کردن ایلات را می‌توان در سخنان امیراحمدی دید که می‌گوید: «همین که جاده نظامی رو درست شد من به فکر افتادم که باید به خانه بدوشی لرستان خاتمه داد و آنها را شهرنشین کرد. زیرا که ادامه امنیت آنجا [لرستان] موکول به این بود که هر طایفه محل ثابت داشته باشد تا بتوان به تربیت آنها همت گماشت و آنها را به مدنیت و بهره‌مند شدن از مزایای زندگی امروزی سوق داد» (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۳۲). درباره اهمیت و نقش افتتاح راه شمال جنوب را در راستای اهداف حکومت مرکزی را در نشریات می‌توان به خوبی دریافت نشریات مختلف تبلیغات بسیار وسیعی در مورد ساخت و افتتاح این راه انجام دادند و ساخت این راه را پیش زمینه رشد و شکوفایی کشور

و مناطقی که این راه از آن عبور کرده است می‌دانند. اهمیت ساخت این راه آنچنان بود که حتی رضاشاه در زمان افتتاح راه مزبور گفت: امروز من به بزرگترین آرزوی خود رسیدم (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). روزنامه اطلاعات با برشمردن اهمیت افتتاح این راه، از آن به عنوان یک روز از اعیاد ذکر می‌کند (اطلاعات، ۸ آبان ۱۳۰۷: ش ۶۱۸).

روزنامه ناهید نیز با به کار بردن کلماتی چون ایران کجا؟ راه خرم آباد به دزفول کجا؟، با تاکید بر اهمیت این طرح آن را از بزرگترین آثار ساخته شده در ایران و عصر پهلوی می‌داند، که از نظر این روزنامه دارای چهار فایده اساسی می‌باشد. این چهار فایده عبارتند از: ۱- کنترل خوزستان و لرستان ۲- فرهنگ سازی برای لرها ۳- بیداری حس ملی در لرها ۴- مترقی و متمدن شدن ایلات لر (ناهید، ۵ آبان ۱۳۰۷: ۱-۲).

نوری اسفندیاری در اثرش که ترجمه مطبوعات اروپایی است به نقل از بورک باروس انگلیسی در نشریه سنترال ایشی‌ین‌سوسایتی در مورد احداث راه سراسری که از لرستان می‌گذرد، می‌نویسد: «موثرترین کارها که تاکنون برای حل مسئله عشایر تاکنون انجام شده ساختمان راه شوسه با استحکامت از وسط لرستان است زیرا لرستان همیشه سخت‌ترین منطقه عشایر نشین ایران بود و تصور می‌کنم پس از قرن‌ها اکنون مسافری بتوانند در کمال امنیت و راحتی از لرستان عبور کنند. شاید بسیاری از ایران شناسان سیاستی که حکومت مرکزی در پیش گرفته نپسندند و دلیل آنها این است که ایلات به واسطه چرای اغنام خود در نقاط دوردست و مناسب کشور محصولات پرارزش دامی تهیه نموده و در نتیجه به ثروت مملکت کمک شایانی می‌نمایند. اینک از آثار و قرائن چنان به نظر می‌آید که روش ملایم تری تعقیب می‌شود با افزایش سالانه وسائط نقلیه موتوری اصلاح جاده‌ها و ترقی فنون نظامی امکان طغیان‌های عشایری تا حدی که با ثبات اوضاع عمومی بستگی دارد سال به سال کمتر می‌شود و سیاستی که اکنون ضروری به نظر می‌رسد همان رفتار مناسب و عادلانه مأمورین مورد اعتماد دولت است به شرط آنکه از افراد عشایر برای کارهای عام المنفعه و به خصوص جاده‌سازی و در صورت امکان قبول عناصر وفادار آنان در نوعی از خدمات نظام یا قوای چریک بهره‌برداری نمایند» (نوری اسفندیاری، ۱۳۳۵: ۴۹۸-۴۹۹).

۲,۶ رشد روستا نشینی و شهرنشینی

یکی از اقدامات اساسی که در فرایند طرح تخته قاپو کردن عشایر لرستان در دستور کار قرار داده شد، کوچاندن و اسکان اجباری ایلات و طوایفی بود که قبلاً زمینگیر شده‌اند. این ایلات باید در ساختمان‌ها و قلاع رعیتی و کشاورزی که قبلاً ساخته شده بودند جای گیرند. این ساختمان‌ها اغلب در کناره راه سراسری شمال به جنوب و کنار رودخانه‌ها و در حاشیه شهر خرم‌آباد قرار داشت. ضمن اینکه قبلاً عملیات‌های گسترده‌ای جهت ساخت قلاع متعدد رعیتی در جنوب خرم‌آباد و حاشیه رودخانه‌ها صورت گرفته بود و اعتباراتی نیز به این بخش اختصاص یافته بود (آرشیو سازمان ملی اسناد ایران، سند شماره: ۲۹۰۰۰۵۵۷).

امیراحمدی برای اجرای عملی این طرح نیاز به اجازه از مرکز داشت او برای گزارش کارهای لرستان و بحث در مورد اسکان اجباری ایلات لرستان در بهار ۱۳۰۷ به تهران رفت: «... من دو موضوع را با ایشان [رضا شاه] به میان نهادم: یکی تخته قاپو کردن ایلات که ایلات اطراف خرم‌آباد را در خرم‌آباد تمرکز دهیم و برای سایرین که به تدریج تخته قاپو می‌شوند، قلاعی در نزدیکی جاده بسازیم که در آن قلاع زندگی کنند... رضا شاه که از ابتدای کار هدفش بر هم زدن حکومت خان‌ها و بوجود آوردن کشوری بود که تمام نقاطش تابع حکومت مرکزی باشد، بادیده قبول پیشنهاد مرا پذیرفت و گفت: هم با تخته قاپوی ایلات موافقم... من اجازه گرفته از تهران به خرم‌آباد بازگشت نمودم. اعتباری که میسر بود برای ساختن قلاع گرفتم و جمعی مهندس و معمار با خود از تهران بردم و از گردنه رازان تا دزفول شروع به ساخت قلاع نمودم» (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۳۲-۳۳۳).

سرانجام در راستای اجرایی کردن طرح اسکان عشایر در قلاع ساخته شده «در شهریور ۱۳۰۷ ش. هنگ آهن در تمام طول جاده تقسیم شد» (جلایر، ۱۳۷۶: ۷۰). بعد از ساخت و سازها دیگر نوبت کوچ اهالی به این ساختمان‌ها بود که قبلاً نظامیان برای اجرای این طرح در مناطق مورد نظر استقرار پیدا کرده بودند. اغلب موارد اجرای طرح از طریق زور بوسیله

نظامیان صورت می‌پذیرفت «به فرمانده فوج مختلط گارد سپه امر می‌دهم کلیه سادات شاهپوند مقیم بین طوایف آبسری، جودکی و بقیه ساداتی که بین جایدر (پلدختر) و تنگ تیر در طوایف جودکی و زیودار و غیره هستند، کلیه را جمع‌آوری نموده و به فوریت به خرم‌آباد کوچ دهد» (امیر احمدی، اسناد، ۱۳۷۳: ۳۱۴).

دیگر طوایف منطقه نیز با زور و سرنیزه نظامیان به قلاع مورد نظر کوچانیده و تخته قاپو شدند: «ایل بهاروند در جلگه کرگاه و در قلاع جدید و در ناحیه تل تخته قاپو شده اند، قلاوندها در امتداد خط شوسه در حوالی دزفول جمع گردیده‌اند. نیروهای دریکوند در نزدیک جاده بین پل زال و جایدر، و جودکی در قلاع جدید در اطراف جاده، بین جایدر و تنگ شیر متمرکز و مشغول زراعت شدند» (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۵۶). به این ترتیب با ساخت جاده شمال- جنوب علاوه بر دسترسی به منطقه خوزستان، امکان کنترل هر چه بیشتر ایلات و عشایر منطقه لرستان فراهم می‌شد، زیرا این راه باعث می‌شد نیروهای نظامی به سرعت خود را به میان مناطق عشایری رسانده و در صورت هرگونه مخالفت ایلات و عشایر با حکومت نظامی، آن را سرکوب نمایند. با افتتاح این راه بسیاری از ایلات و عشایر را در حاشیه دور و نزدیک این جاده اسکان دادند. حتی امروزه با عبور از این مسیر می‌توان تراکم روستاها در کناره‌های این جاده را مشاهده نمود، حتی بنیاد شهر پلدختر را می‌توان به تخته‌قاپوی عشایر در طول این راه و در دشت جایدر نسبت داد.

۳,۶ ایجاد امنیت

از اثرات مثبت و کوتاه مدت ورود قوای نظامی و احداث راه در لرستان بازگشت آرامش نسبی به منطقه بود. با ورود قوای نظامی به لرستان در سال ۱۳۰۲ بسیاری از ایلات واکنشی منفی نسبت به این اقدام دولت داشتن و تا سال‌ها بین آنها و قوای مرکزی زدوخورد بود. دولت هموار سعی می‌نمود تا جایی که ممکن باشد بتواند به صورت مسالمت آمیز ایلات و سران آنها را به ترک تمرد و سرپیچی از حکومت مرکزی ترغیب نماید. طبق گزارش اسفندیاری که از تایمز لندن نقل می‌کند: «شرارت‌هایی که گاه بگاه اتفاق می‌افتد در جنوب خرم‌آباد و لرستان دوباره شروع گردیده بطوریکه شنیده‌ام شاه از خرم‌آباد دستور تلگرافی

داده که چهل دست خلعت حاضر نمایند و شاید چون عملیات نظامی وی بی نتیجه مانده می خواهد روسای [لرها] را بدینوسیله به خود جلب نماید...» (نوری اسفندیاری، ۱۳۳۵: ۴۱۸).

بر اثر فشار قوای نظامی بعد از افتتاح راه بسیاری از ایلات به طور خودجوش آماده کنار گذاشتن رویه سرکشی علیه دولت بودند. «بر طبق تلگراف واصله از خرم‌آباد در این چند روز دسته دسته از [لرها] به شهر آمده‌اند و تسلیم شده‌اند و از طرف امارت لشکر هم نسبت به آنها کمال محبت و مرحمت مبذول نموده و آنها را به رعیتی وادار نموده‌اند. پریروز عصر هم علی‌محمدخان غضنفری که ریشه فساد و شرارت بود به شهر وارد و حضور امارت لشکر غرب مشرف و با نیل به مراحم دولت و اخذ دستورات لازمه مرخص و برای آوردن و تسلیم نمودن سایر کسان خود و طوائف دیگر تابعه به خارج حرکت و عنقریب بقیه [لرها] هم به شهر آمده و تسلیم خواهند شد. فعلاً با اقداماتی که از طرف امارت لشکر غرب به عمل آمده در سرتاسر لرستان هر کس می تواند در کلیه طرق شب و روز با اطمینان کامل ایاب و ذهاب نماید» (اطلاعات، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۷: ۲). در این سال عده زیادی از خوانین و دستجات مختلف عشایری به طور داوطلبانه و بر اثر اقدامات نیروهای دولتی به صورت مسالمت آمیز خود را تسلیم نمودند که چند مورد از موارد را به نقل از نشریات ذکر می گردد. به طوری که: «...دستجات خوانین پشتکوه و پیشکوه خوانین طرهان، خوانین بالاگریوه، جودکی، میر، قلاوند، عموماً از قبیل علی‌محمدخان غضنفری اسفندیارخان منصورخان وسایر خوانین بیرانوند شرفیاب و هر یک به نوبه خود برخوردار عواطف دولت می‌شوند...» (اطلاعات، ۶ خرداد ۱۳۰۷: ۲).

بر اثر اقدامات قوای نظامی در برقراری امنیت نسبی در لرستان و به خصوص شهر خرم‌آباد که باعث شد بسیاری از ایلات سرکوب و یا تسلیم شوند جمعی از تجار خرم‌آباد به منظور قدردانی طی، تلگرافی از اقدامات امیر لشکر غرب سپهبد امیراحمدی به خاطر سرکوب ایلات و افراد ستیزه‌جو تشکر نمودند (اطلاعات، ۱۶ خرداد ۱۳۰۷: ۱). همچنین قوای نظامی به تشکن و گنداب و چم دارو و حیات الغیب رفته و تمام سادات این نواحی

را کوچانیده و به خرم‌آباد آوردند. بنا به تقاضای میرشفیع‌خان با توجه به اینکه در کرگاه هنوز زمین لازمه برای زراعت موجود بود طوایف نامبرده به کرگاه کوچ داده و در قرای خالصه تخته قاپو شدند (امیراحمدی، اسناد، ۱۳۷۳: ۲۲۳-۲۲۴). در این سال (۱۳۰۷ش) مسئولین نظامی طی احکامی خوانین خدمتگذاری را در رأس ایلات منصوب نمودند، امان‌الله‌خان غضنفری به خاطر کمک در سرکوبی قیام ایلی ۱۳۰۶ش. در طرهان به ریاست ایلات این منطقه رسید. منصورخان بیرانوند و فتح‌الله‌خان سگوند نیز به ترتیب به ریاست طوایف بیرانوند و سگوند رسیدند (همان، ص ۱۹۶-۱۹۷). اما بعد از رفتن رضاخان، علیمحمدخان غضنفری طی حکمی به تاریخ ۱۳۰۷/۸/۱۵ش. به حکومت طرهان منصوب شد. حکومت سلسه و دلفان نیز به امان‌الله‌خان غضنفری داده شد و میرزا محمدخان تیمورپور به عنوان نایب الحکومه پشتکوه و صیمره برگزیده شد. (غضنفری، ۱۳۹۳: ۱۱۲۱-۱۱۲۲) با استقرار علیمحمدخان غضنفری در طرهان، امیراحمدی طی نامه‌ای از علیمحمدخان غضنفری درخواست کرد که طوایفی که در حدود چگنی تا پشت هرسین و از هرسین الی ماهیدشت و هلیلان تا خود سیمره متوقف هستند، خلع سلاح کنند. در صورت مقاومت آنان را سرکوب نموده و اگر تسلیم شدند تأمین دهد. در اجرای این امر طی حکمی نایب محمودخان را به عنوان نماینده دولت به کمک خان غضنفری فرستاد (همان، ۱۱۲۵-۱۱۲۷).

با ساخت و اتمام راه سراسری در سال ۱۳۰۷، بسیاری از ایلات و عشایر تا سال بعد یا به طور مسالمت آمیز و یا با فشار قوای نظامی تسلیم شدند. چند تیره از ایل بیرانوند و چند تن از خوانین آنان تا سال ۱۳۱۲ به سرکشی خود ادامه دادند که در زمان فرماندهی سرهنگ رزم‌آرا با استفاده از راه سراسری که باعث شده بود قدرت مانور نیروهای دولتی زیاد شود، آنها را نیز مجبور به تسلیم کردند. سرهنگ رزم‌آرا فرماندهی تیپ با افراد نظامی و چریک‌های محلی به تعقیب دسته خوانین پرداخته و آنان را در فشار قرار داده و آرامش را از آنان گرفته بود. سرانجام بر اثر جدیت رزم‌آرا در تعقیب آنان و خستگی خوانین از سال‌هایی که بدون خانواده در کوه‌ها متواری بودند و با انتشار موارد اعلامیه و همچنین با

وساطت آیت‌الله جزایری بین عشایر و قوای نظامی، این دسته از خوانین عاقبت تسلیم شدند. با وجود قول و تأمینی که به خوانین داده بودند، آنها را دستگیر کردند رزم آرا می‌نویسد: «چون نگهداری این اشخاص در لرستان امری غیر مقدور و اگر مجدداً فرار می‌نمودند دستگیری آنها غیر ممکن می‌شد لذا روزی کلیه خوانین حاضر شدند که به شهر آیند و حتی اتومبیل فرماندهی را خواستند من (رزم آرا) هم اتومبیل خود را فرستاده تمام را سوار کرده و به شهر آوردند. به محض ورود به شهر کلیه آنان را دستگیر و به تهران اعزام نموده... بدین قسم یاغی یا مرکز تحریکی در لرستان باقی نماند» (رزم آرا، ۱۳۸۲: ۸۸-۸۹). و به این ترتیب امنیت کامل در منطقه برقرار شد.

۴,۶ تغییر در سبک زندگی

با اسکان عشایر لرستان اولین و مهمترین تغییری که ایجاد شد تغییر معیشت اهالی لرستان از دامداری به کشاورزی بود. امیراحمدی به عنوان مجری طرح تخته قاپو در مورد عدم علاقه اهالی به سکونت در قلاع ساخته شده می‌نویسد: «وقتی از کبیرکوه به خرم‌آباد آمدم، بازدیدی از قلاع ساخته شده نمودم. دیدم بر خلاف انتظاری که داشتم، کمتر کسی از لرها رغبت به سکونت در قلاع را نشان می‌دهد و حتی عده ای را که به اکراه آورده بودند، سیاه چادرهای خود را در کنار قلعه افراشته و در اطاق‌ها نمی‌رفتند» (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۳۶).

رزم آرا نیز در مورد عدم استقبال عشایر از این قلاع می‌نویسد: «با مخارج زیاد دولت قلاعی جهت مسکن آنها ساخته بود، چون قلعه را گلی می‌دانستند اقدامی در تعمیر آنها نکرده و با سیاه چادر اطراف قلعه می‌نشستند» (رزم آرا، ۱۳۲۲: ۳۰). عدم علاقه اهالی نسبت به نشستن در قلاع چنان بود که آرام آرام همگی درصدد ترک این ساختمان‌ها بودند. «لرها همه کلبه‌های گلی را که به تازگی و به اجبار حکومت مرکزی ساخته‌اند رها کرده و رفته‌اند» (مورتسن، ۱۳۷۷: ۱۱۳) عدم علاقه لرها به خانه‌های گلی باعث می‌شد این خانه‌ها به مرور زمان فرسوده شده و دیگر قابل استفاده نباشند، برای حل این مشکل مسئولان طرح باید فکری می‌کردند. امیراحمدی در راستای اسکان دادن همیشگی آنان در این خانه

می‌گوید: «عدم رغبت آنها به سکونت، مرا وادار کرد که باید آنها را وارد به کشت و زرع در اطراف این قلعه‌ها نمایم» (امیراحمدی، خاطرات، ۱۳۷۳: ۳۳۶).

حاج عزالممالک اردلان که در سال ۱۳۱۱ش. به مقام حکمرانی لرستان رسید و مدتی توسط لرها اسیر شد در مورد تصرف اراضی لرستان توسط دولت می‌گوید: «بعد از اسارت ما توسط [لرها] یک هفته در غاری اسیر آنها بودیم. روزی یکی از لرها مرا به جایی برد و گفت نگاه کن این دشت هرو و کشت و زرع آن مال ما بود و قشون تمام را ضبط کرده است» (اردلان، ۱۳۸۳: ۲۵۰). تصرف املاک اهالی آنچنان وضع منطقه را به هرج و مرج کشانیده بود که مسئولان بالاخره در فکر پایان بخشیدن به این هرج و مرج‌ها بودند. عزالممالک اردلان در این رابطه می‌گوید: «من چند نفر مامور از وزارت کشور خواستم و چند نفر را به اختیار من گذاشتند و آنها را مامور ساختمان خانه کردم و شروع به اسکان لرها شد و مهمتر از ساختمان خانه برای لرها دادن زمین و مرتع به لرها بود که دانستند لرستان مال لرها است و کسی را با آنها کاری نیست» (همان، ۲۵۶).

مسئولان منطقه برای پایان دادن به نارضایتی اهالی از تصرف اراضی‌شان در اولین قدم اجرای این کار را متوقف کردند: «رزم آرا فرمانده تیپ با من (عز الممالک اردلان) مذاکره کرد و متفقاً گزارش محرمانه به دفتر مخصوص دادیم که صلاح نیست اداره املاک در لرستان بیاید» (همان، ۲۵۶). بزودی زمین‌ها و خالصجات منطقه لرستان با حضور هیأت‌هایی بین اهالی تقسیم شد. این تقسیمات کمک موثری بود برای طوایفی که تا کنون زمین جهت زراعت نداشتند (والیزاده معجزی، ۱۳۸۲: ۲۷۰-۲۷۱).

عملیات اسکان ایلات در مناطق مختلف و ساخت قلاع رعیتی برای آنان از روز ورود قوای نظامی به لرستان همواره در دستور کار قرار داشت. همچنین در این سال «در تعقب دستوراتی که برای تخته قاپو کردن ایلات [لر] سابقاً صادر شده بود علاوه بر چندین قلعه و محل که برای سکونت آنها ساخته شده دستورات لازم برای تهیه محل و منزل در محل فعلی شهر خرم‌آباد پهلوی و الشتر از مقامات مربوطه صادر و مقرر گردیده است هر چه زودتر به ساختمان‌های شهر مذکور توسعه داده وسایل سکونت [لرها] را فراهم نمایند برای

دادن بذر و وسایل زراعت به آنها نیز دستوراتی به مالیه محل صادر و ابلاغ گردیده است» (اطلاعات، ۱۹ آذر ۱۳۰۷: ۲).

حکومت همچنین به منظور تثبیت اقدامات انجام گرفته در طرح تخته قاپو و کمک به اهالی برای ساختن قلاع رعیتی و کشاورزی کردن دست به اجرای یک رشته اقدامات دیگر از جمله تأسیس بانک فلاحتی نمودند. زیرا به علت ضعف شدید اقتصادی و مالی اهالی لرستان در پی اقدامات نظامی خشن و نابودی منابع درآمدی و اقتصادی مردم در پی تغییر روش‌های معیشتی مردمی که اسکان یافته بودند دیگر توان مالی جهت ساخت و ساز قلاع رعیتی و تعمیر آنها نداشتند. دولت پهلوی برای رفع این مشکل به فکر ایجاد موسسات مالی در لرستان افتاد که تا حدودی بتواند بر مشکلات مالی ادامه طرح غلبه کند. حاصل این اقدامات تأسیس بانک فلاحتی در لرستان بود (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره: ۲۴۰۰۱۵۴۸۶) به این ترتیب با تقسیم اراضی و تأسیس بانک سعی در تشویق اهالی به کشاورزی داشتند تا با این اقدام از علاقه آنان به کوچروی و دامداری بکاهند.

۵,۶ برقراری تشکیلات اداری نوین در شهرها

با سرکوب ایلات مخالف و بازگشت آرامش نسبی به منطقه و احداث راه که باعث کنترل اهالی شده و ارتباطات را تسهیل می‌کرد نوبت به دیگر اصلاحات (از جمله دوایر دولتی) رسید. با پایه‌گذاری ادارات مختلف و برخی قوانین مانند قانون نظام وظیفه دولت سعی نمود پایه‌های دولت مدرن و ملت‌سازی نوین را برپا کند و وضعیت کشور را به صورت دولتی متمرکز و ملتی همگون و یک دست درآورد. از این‌رو در راستای به انجام رساندن تخته‌قاپوی عشایر لرستان دوایر دولتی زیادی به منظور دلبسته کردن به یکجانشینی اهالی تأسیس شد، که در اینجا به برخی از این ادارات اشاره می‌شود. از جمله: تشکیلات نوین شهری در خرم‌آباد، تأسیس شهرداری بود که در سال ۱۳۰۵ ش. انجام شد و نخستین شهردار آن روح‌الله والی‌زاده بود. در اواخر سال ۱۳۰۴ و اوایل ۱۳۰۵ اداره احصاییه یا آمار و ثبت احوال گشایش یافته و آغاز به کار کرد. ظاهراً از سال ۱۳۱۲ به بعد قانون نظام وظیفه در لرستان اجرا شد. نخستین اداره دارایی ۲۱ بهمن ماه سال ۱۳۱۲ در یکی از دکان‌های

کاروانسرای میرزا رضا تفرشی آغاز شد. ریاست آن را فتح الله گودرزی بشیر السلطان عهده‌دار بود. در سال ۱۳۰۵ نخستین شعبه بانک ملی در خرم‌آباد افتتاح شد و در حدود ۵۰ نفر در آن بانک حساب جاری باز کردند. همچنین این نخستین بانکی بود که در خرم‌آباد گشایش می‌یافت.

در سال ۱۳۰۵ ش. دارالتربیه شبانه روزی برای فرزندان عشایر تأسیس شد و مشکل نخستین نبود آموزگار بود. شادروان اعتضاد رییس اداره فرهنگ بروجرد و خرم‌آباد، چند نفر معلم از بروجرد فرستاد و از باسوادان خرم‌آباد و بعضی از افسران ارتش دعوت به همکاری شد. اداره طرق و شوارع: یا اداره راه لرستان در سال ۱۳۰۶ ش. در خرم‌آباد تشکیل شد و برای کشیدن چند راه داخلی، مانند: راه خرم‌آباد به الشتر و نورآباد و راه خرم‌آباد به کوه‌دشت از مسیر چگنی نیز اقدام کرد.

نخستین اداره بهداشتی در سال ۱۳۱۲ ش. تشکیل شده و ریاست آن را دکتر عباس عهده‌دار بود. نخستین اداره ثبت اسناد در سال ۱۳۱۲ ش. به ریاست آقای آیت‌اللهی در لرستان تشکیل شد. ارزیاب و کارشناس آن نیز شادروان حاج علی اکبر محرم ساکی بود که تمام املاک لرستان را بتدریج و در مدت ۱۴ سال تحدید حدود و تفلیک کرد تا به نام مالکان آن ثبت شود. نخستین انجمن شهر خرم‌آباد برای نظارت بر کار شهرداری در سال ۱۳۱۶ ش. تشکیل شد و نخستین رییس آن حاج روح الله قاضی زاده بود. صلحیه(دادگستری): از نظر امور قضایی خرم‌آباد فقط یک محکمه «صلحیه» داشت. پرونده‌های جنایی و حقوقی که نیاز به رسیدگی و صدور رأی داشت به دادگستری بروجرد فرستاده می‌شدند. ولی از سال ۱۳۱۴ ش. دادگستری مستقل تشکیل شد.

در سال ۱۳۱۴ دومین والی لرستان و بروجرد به نام دکتر حسین مرزبان به جای حاج عزالممالک اردلان منسوب شد. در این زمان هم مرکز حکمرانی از بروجرد به خرم‌آباد منتقل شد. در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ در خرم‌آباد از سوی دکتر حسین مرزبان فرماندار خرم‌آباد دستور برداشتن حجاب زنان صادر شد. نخستین نمایندگان بومی در مجلس ۱- حبيب الله کمالوند ملقب به یمین الملک نماینده اولین دوره مجلس موسسان در سال ۱۳۰۴ شمسی و

نماینده دوره های سوم و پنجم مجلس شورای ملی ۲- حاج شیخ عبدالرحمان لرستانی نماینده دوره چهارم مجلس شورای ملی (ایزدپناه، ۱۳۸۴: ۲۱۷-۲۲۶-۲۲۸-۲۲۹). ایجاد ادارات دولتی می‌توانست در بلند مدت فکر کوچ‌نشینی و مخالف با تمرکزگرایی را در اندیشه ایلات و عشایر کمرنگ کرده و از بین ببرد و آنها را با فرهنگ و زندگی نوینی که دولت مرکزی در پی آن بود آشنا سازد. در مجموع احداث راه و به تبع آن اقدامات عملی دولت بعد از ایجاد این راه باعث دگرگونی در زندگی اجتماعی ایلات و عشایر، کنترل آنان شد و باعث تقویت زندگی یکجانشینی مبتنی بر کشاورزی در مقابل زندگی کوچ‌نشینی مبتنی بر دامداری شد.

۷. نتیجه‌گیری

لرستان یکی از مناطق راهبردی کشور از اواخر قاجار به بعد بود. لرستان به خاطر قرار گرفتن بر مسیر ارتباطی شمال- جنوب و داشتن منابع بسیار حائز اهمیت بود. در اواخر حکومت قاجاریه، به دلیل ضعف حکومت مرکزی، منطقه لرستان حالتی خودمختار داشت و اجازه حضور عوامل حکومت را در این محل نمی‌دادند. رضاخان که با حمایت‌های داخلی و خارجی و با انجام کودتا به قدرت رسیده بود، سعی نمود اوضاع کشور را از حالت آشفتگی نجات دهد. او به حسب ظاهر قصد داشت کشور را به جهات مختلف به مانند ممالک اروپایی، مدرن سازی نماید. در این راستا و به پشتوانه این هدف، در اولویت اول سعی نمود تمرکزگرایی را در کشور برقرار نماید. ایلات و عشایر مخالف حکومت مرکزی مهمترین مانع در اجرای این هدف بودند.

سردار سپه در سال ۱۳۰۲ش. برای سرکوب ایلات و عشایر به لرستان لشکرکشی نمود. برای کنترل ایلات و عشایر لرستان و اجرای برنامه های دولت و همچنین دسترسی به خوزستان ایجاد راهی از لرستان به خوزستان لازم به نظر می رسید. در همان سال‌های اولیه ورود قوای نظامی به لرستان ساخت این راه به منظور سرکوبی شیخ خزعل و دسترسی به خوزستان و کنترل ایلات و عشایر لرستان شروع شد. ساخت این راه با فراز و فرودهایی همراه بود. برخی از ایلات و عشایر که در حال جنگیدن با قوای نظامی بودند واکنش منفی

نسبت به این طرح داشتند. اما در مقابل ایلات و عشایر دولت خواه حتی کارگر نیز در اختیار مهندسين قرار می دادند. سرانجام با بهره برداری از این راه دولت می توانست به راحتی به عمق مناطق عشایری نفوذ کرده و بر آنان تسلط نماید. با افتتاح این راه در سال ۱۳۰۷ش. تأثیرات زیادی بر اوضاع اجتماعی اهالی لرستان گذاشت. با ایجاد این راه پس از سالها امنیت در این منطقه برقرار شده و عبور و مرور کاروانها به سهولت انجام می گرفت. تخته قاپوی یا اسکان ایلات و عشایر از مهمترین تأثیرات ایجاد راه در منطقه بود. به زودی دولت با احداث این راه بسیاری از ایلات و عشایر را در فواصل دور و نزدیک این راه مستقر نمود. بر اثر این اقدام ساختار اجتماعی منطقه از شیوه دامداری به کشاورزی در حال تغییر بود. به دنبال این اقدام به زودی ادارات مختلف دولتی به منظور نهادینه کردن زندگی شهری و یکجانشینی تأسیس گردید. با تأسیس پادگان ها و ادارات در شهرهای لرستان برخی از مردم سایر مناطق به لرستان مهاجرت نمودند و امکان برخی تغییرات اجتماعی فراهم گردید. دولت مرکزی با ایجاد دواير دولتی سعی نمود زندگی یکجانشینی را نهادینه سازد این اقدامات باعث تسريع دگرگونی در زندگی اجتماعی اهالی لرستان شدند.

کتابنامه

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمدبن حوقل (۱۳۶۱). *صورة الارض*، ترجمه و توضیح: جعفر شعاع، امیرکبیر، تهران.
- اردلان، عزالممالک (۱۳۸۳). *خاطرات حاج عزالممالک اردلان*، به کوشش باقر عاقلی، تهران، نامک.
- امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳). *خاطرات نخستین سپهبد ایران*، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳). *اسناد نخستین سپهبد ایران*، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- ایزد پناه، حمید (۱۳۸۴). *لرستان در گذر زمان و تاریخ*، تهران، اساطیر.

بررسی روند ساخت راه تهران به خوزستان ... ۳۱

- بصری، علی، (۱۳۳۵). *یادداشت‌های رضاشاه*، ترجمه محمد حسین استخر، تهران، چاپ مطبوعات.
- بهرامی، روح الله (۱۳۷۷). *سیاست قومی پهلوی اول در قبال قوم لر*، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران، پیش شماره اول، صص ۸۵-۱۱۹.
- بیات، کاوه (۱۳۷۳). *عملیات لرستان*، اسناد سرتیپ محمد شاه بختی، شیرازه.
- جعفری، کریم (۱۳۸۷). *نگاهی دیگر به برخورد رضا شاه با ایلات و عشایر*، روزنامه اعتماد ملی، ۳۰ اردیبهشت، شماره ۶۴۹.
- جلایر، رضا قلی (۱۳۷۶). *در راه پشتکوه*، به کوشش کاوه بیات، خرم‌آباد، شقایق، افلاک.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۷۹). *ایران و مدرنیته، گفتگویی با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویایی ایران با دستاوردهای جهان*، ترجمه حسین سامعی، تهران، گفتار.
- دالوند، حمیدرضا، *انقلاب اسلامی در لرستان*، ج ۱، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی در لرستان، تهران، ۱۳۸۵.
- دوید، بارن (۱۳۸۸). *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه: حسین آریا، تهران.
- رزم آرا، حاجعلی (۱۳۲۲). *جغرافیای نظامی ایران (لرستان)*، تهران، سازمان انتشارات ارتش.
- رزم آرا، حاجعلی (۱۳۸۲). *خاطرات و اسناد سپهد رزم آرا*، به کوشش کامبیز آرا و کاوه بیات، تهران، شیرازه.
- رشیدیان، هدایت اله (۱۳۸۱). *خرم‌آباد در گذر جغرافیایی انسانی*، خرم‌آباد، افلاک.
- زرگر، علی اصغر (۱۳۸۸). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضا شاه*، ترجمه کاوه بیات، تهران، پروین معینی.
- ستراک، ویلیام تئودور (۱۳۸۷). *حکومت شیخ خزعل بن جابر و سرکوب شیخ نشین خوزستان*، ترجمه: صفاءالدین تبرائیان، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران.
- ستوده، یدالله (۱۳۸۸). *شورش لرستان*، خرم‌آباد، شاپورخواست.

- صلاح، مهدی، محمدعلی نعمتی (۱۳۹۵). پیامدهای طرح اسکان عشایر بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لرستان (۱۳۰۲ ش. تا ۱۳۱۲ ش.)، مجله پژوهشهای تاریخی ایران و اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوره ۱۰، شماره ۱۹.
- غضنفری امرایی، اسفندیار (۱۳۹۳). تاریخ غضنفری (روزگاران لرستان از آغاز تا عصر پهلوی)، ج ۲، پس از مشروطیت، خرم آباد، شاپور خواست.
- غنی، سیروس (۱۳۷۸). برآمدن رضاخان، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نیلوفر.
- فوران، جان (۱۳۸۶). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قراگوزلو، غلامحسین (۱۳۸۳). جنگهای لرستان، تهران، اقبال.
- کجباف، علی اکبر (۱۳۸۴). سیاست شیخ خزعل در جنوب ایران و خلیج فارس در برابر انگلیس و رضاشاه، مجموعه مقالات همایش بین المللی خلیج فارس جلد یک، به اهتمام اصغر منتظرالقائم، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- کدی، نیکی آر (۱۳۸۱). ایران در دوران قاجار و برآمدن رضاخان؛ ۱۳۰۴ _ ۱۱۷۵ ش، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس، چاپ سوم.
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱). احسن الاتقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: علینقی منزوی، بخش دوم، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- مکی، حسین (۱۳۲۴). تاریخ بیست ساله، ج ۲، تهران، کتاب فروشی محمدعلی علمی.
- مورتنسن، اینکه دمانت (۱۳۷۷). کوچ نشینان لرستان، ترجمه حسین آریا، تهران، پژوهنده.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۵). تاریخ معاصر ایران، تهران، کتابفروشی فروغی.
- نوری اسفندیاری، فتح الله (۱۳۳۵). رستاخیز ایران، مدارک، مقالات و نگارشات خارجی ۱۳۲۳-۱۲۹۹، چاپخانه سازمان برنامه، تهران.
- نیساری، سیروس (۱۳۵۰). جغرافیای ایران، تهران، چاپخانه پاد.
- واعظ شهرستانی، نفیسه (۱۳۸۸). سیاست عشایری دولت پهلوی اول، تهران، نشر تاریخ ایران.

والیزاده معجزی، محمد رضا (۱۳۸۲). *تاریخ لرستان روزگار پهلوی*، حروفیه. ویلسن، آرنولد (۱۳۶۳). *سفرنامه ویلسن*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، وحید.

روزنامه و مجلات

سالنامه پارس

روزنامه ناهید

روزنامه اطلاعات

اسناد

آرشیو سازمان ملی اسناد، مجموعه اسناد شماره ۲۹۰۰۰۰۵۷۷-۲۴۰۰۱۵۴۸۶. اسناد خاندانی تقی خان سپهوند موجود در کتابخانه شخصی غلامرضاخان سپهوند.

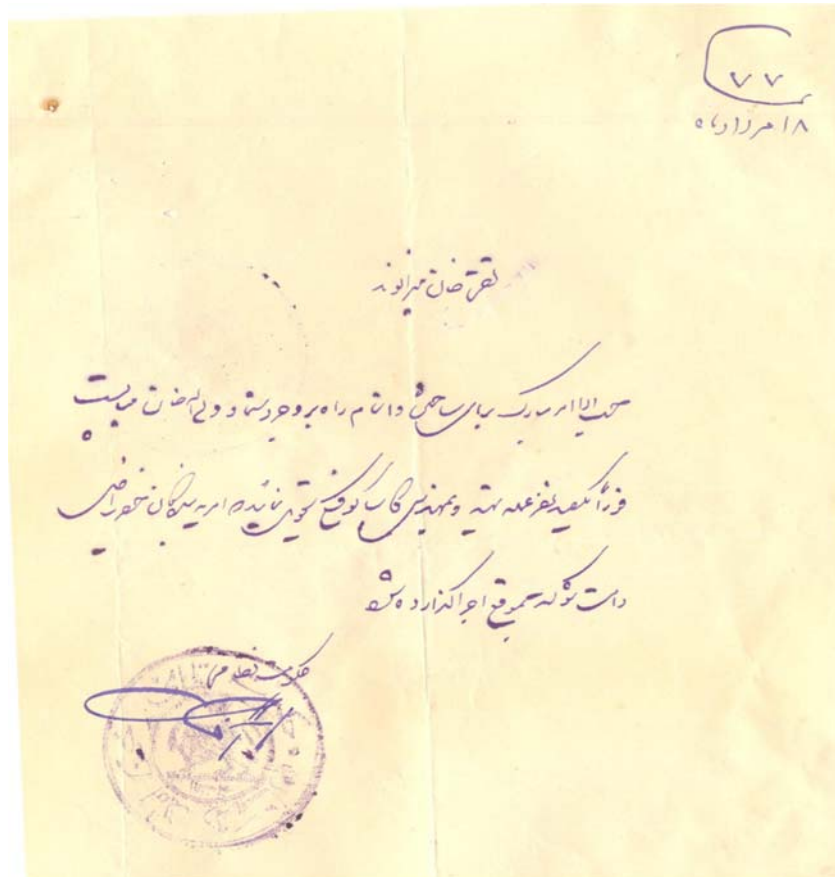
مصاحبه

اکبر محمدنیایی، مصاحبه کننده: کرم‌الله دریکوند، تیرماه ۱۳۹۴.

پی نوشت

۱. اکبر محمد نیایی از کهن سالان طایفه چگنی که در دهه سال ۱۲۹۸. ش در روستای سرخ‌لیزه واقع در بخش چگنی در جنوب خرم‌آباد متولد شده‌اند و اکنون ساکن شهر خرم‌آباد می‌باشند. وی بسیاری از وقایع اواخر قاجار و عهد پهلوی را به چشم خود دیده است. از جمله استمداد شیخ‌خزعل از تفنگ‌چی‌های لرستان برای مقابله با رضاخان و سفر رضاشاه به لرستان در سال ۱۳۰۷. ش را می‌توان اشاره نمود.

اسناد خاندانی تقی خان سپهوند



تاریخ ۲۴ برج محرم ۱۳۰۰
 شعبه
 بی بیاده نظام لشکر غرب
 ۵۱۹۹۰

عمده کدخدایان طویلف خا رسنال

در این صبح در اردوهای خیابان کن شهرتین بزرگ محمد محمد و ابو محمدون بر سر ف و محمدان خودتان
 با برادران بزرگان حضرت ابرو عظم بنم اردو و فزانه کمر قرار است عظم طویلف خودتان
 صورت نیز ایند از لفظ نظر مری که نیست بر ما دست و خطای می دانم در نما را فقهه بن حضرت
 گردی برده بر این نوعی صلح بر لفظ را فقهه زود تا هم نام است و خطای نما را لفظ است بر فقهه
 و در نزد و اینهمه در این برون کعبه در طرف رخ بر همه این دوده و خطای نما در این بزرگان
 نما که هیچ وجه نظر بر می بریم بلکه میوه صد گندار نما در طرف فزانه طویلف در این بزرگان در نزد
 در اینهمه در در در نزد و تمام بر آن و با فکرم لفظ نما در این بزرگان و با فکرم لفظ نما
 میانه نیست برای هر که صد گندار نما در این بزرگان و در این دعوات هر یکی نما در این بزرگان
 در اراکمه و خوش بختی را آفاق و در این دعوات و در این بزرگان و در این دعوات هر یکی نما در این بزرگان
 خواهد گریه - این است هم بزرگان